

1399/01/21

به صورت زنده و خطاب به مردم برگزار شد؛

## سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين

عید سعید نیمه‌ی شعبان بر همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، بر همه‌ی ملت ایران، بر همه‌ی مسلمانان جهان و همه‌ی آزادی‌خواهان سطح دنیا مبارک باد. بنده متأسفانه توفیق دیدار نزدیک شما را ندارم و ناچار از دور با شما حرف میزنم، لکن این هم تجربه‌ای است. امروز چند جمله درباره‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) عرض میکنیم، چند جمله هم درباره‌ی این مسئله‌ی جاری کشور با ملت عزیزمان صحبت میکنیم. اول سلامی عرض بکنیم خدمت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه): **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمَّمَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصُوبُ وَ الْعَوْتُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عَدُوَّ عَيْرٍ مَكْذُوبٍ.** (۱) سلام بر تو ای ذخیره‌ی الهی در زمین، بقیة الله؛ سلام بر تو ای عهد و میثاق استوار خداوندی؛ سلام بر تو ای وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار، ای پرچم برافراشته، ای دانش از آسمان فرو بریده. دنباله‌ی این زیارت شریف آلباسین، عاشقانه است: **«السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ»** (۲) تا آخر.

شاید در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده باشد که آحاد بشری، جامعه‌ی بشری در همه‌ی جای عالم، به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند - چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس میکنند، چه بسیاری از مردم که احساس نیاز میکنند ولی در ناخودآگاه خودشان - احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم، احساس نیاز به عصمت، به هدایت الهی؛ در کمتر دوره‌ای از تاریخ، انسان این همه احساس نیاز به این حقیقت والا سراغ دارد. امروز بعد از آنکه بشریت مکاتب گوناگون و نحله‌های (۳) فکری گوناگون و مسلک‌های گوناگون را تجربه کرده - از کمونیسم تا دموکراسی غربی تا لیبرال‌دموکراسی رایج در دنیا؛ با این همه ادعایی که اینها دارند - احساس آسایش نمیکند؛ بشر با این همه پیشرفتهای علمی حیرت‌آور که بگلی وضع زندگی را در جهان تغییر داده، احساس خوشبختی نمیکند؛ بشریت دچار فقر است، دچار بیماری است، دچار فحشا و گناه است، دچار بی‌عدالتی است، دچار نابرابری است، دچار شکاف طبقاتی بسیار وسیع است؛ بشر دچار سوءاستفاده‌ی قدرتها از علم است؛ قدرتها از علم سوءاستفاده میکنند، از کشفیات طبیعت سوءاستفاده میکنند، از توانایی‌های استخراج‌شده‌ی از طبیعت سوءاستفاده میکنند؛ بشر با اینها مواجه است؛ اینها موجب شده است که انسانها در همه‌ی جای دنیا احساس خستگی کنند؛ احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش کنند.

میلیاردها انسان در دنیا گرفتارند؛ بعضی ممکن است آسایش داشته باشند، لکن همانها هم آرامش ندارند؛ بشر دچار نگرانی است، دچار اضطراب است و این پیشرفتهای و این تحولات گوناگون نتوانسته است به بشر خوشبختی ببخشد. البته خرد انسانی، نعمت بزرگی است؛ تجربه، نعمت بزرگی است؛ [اینها] نعمتهای خدا است و میتواند بسیاری از مشکلات حیات را حل کند، لکن برخی از گره‌ها هست که با اینها باز نمیشود. فرض کنید همین مسئله‌ی عدالت؛ عدالت به وسیله‌ی علم پیشرفته‌ی امروز و فناوری پیشرفته‌ی امروز قابل حل شدن نیست؛ گره‌اش بازشدنی نیست. امروز بی‌عدالتی در دنیا از علم تغذیه میکند؛ یعنی علم پیشرفته در خدمت بی‌عدالتی است، در خدمت جنگ‌افروزی است، در خدمت تصرف سرزمین‌های دیگران است، در خدمت سلطه‌ی بر ملتها است؛ پس علم این گره‌ها را دیگر نمیتواند باز بکند؛ اینها احتیاج دارد به یک قدرت معنوی، قدرت الهی، دست پر قدرت امام معصوم که او بتواند این کارها را انجام بدهد؛ لذا مأموریت بزرگ حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) عبارت است از **«بَمَلَأَ اللَّهُ بِهَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»**؛ (۴) مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارتها به این معنا اشاره شده است: ایجاد قسط و عدل؛ این، آن چیزی است که جز به دست قدرت الهی که از آستین حضرت بقیة الله بیرون می‌آید، امکان‌پذیر نیست. این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه‌ی شئون زندگی است؛ عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی و در منزلت اجتماعی، عدالت در معنویت و امکان رشد، [عدالت] در همه‌ی ابعاد زندگی؛ اینها چیزهایی است که انتظار است که به وسیله‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) در عالم وجود، در دنیا به وجود بیاید و انشاء الله به لطف الهی [محقق] خواهد شد.

آحاد بشر - چه آنهایی که نخبه هستند و حوادث را میتوانند تشخیص بدهند، چه توده‌ی مردم در سطح دنیا، در کشورهای مختلف که بعضی‌ها گرفتار زندگی‌اند، غافلند - همه این احساس نیاز را دارند، منتها بعضی آگاهانه، بعضی غیر آگاهانه. و البته در همه‌ی ادیان هم این وعده داده شده است؛ در همه‌ی ادیان وعده‌ی یک فرج و یک حرکت عظیم الهی در پایان و انتهای تاریخ - که البته این هم پایان تاریخ نیست؛ دنیای واقعی و زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولی‌عصر شروع میشود، لکن در انتهای این وضع زندگی‌ای که امروز ما داریم - [آمده،] همه وعده‌ی آنچنان عاقبتی را داده‌اند.

پس این نیاز هست، لکن برای اینکه این نیاز جهت پیدا کند و مفید فایده باشد، در اسلام از ما خواسته شده است که انتظار داشته باشیم. انتظار، فراتر از نیازمندی است، فراتر از احساس نیاز است. گفته‌اند منتظر باشید؛ انتظار یعنی امید، انتظار یعنی اعتقاد به اینکه

یک آینده‌ی قطعی‌ای وجود دارد؛ صرف نیاز نیست؛ انتظار، سازنده است، لذا در روایات ما، معارف ما، انتظار فرج جایگاه بسیار مهمی دارد که من حالا یک توضیحی در مورد آن بعداً عرض میکنم. در توقیع شریف حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) به ابن‌بابویه -علی‌بن‌بابویه- از قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: **أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ**؛ (۵) یعنی برترین اعمال امت من این است که منتظر فرج باشم؛ [یعنی] امید. در یک روایتی از موسی‌بن‌جعفر (علیه السلام) [آمده]: **أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ**؛ (۶) معرفت یعنی توحید و معرفت حقایق الهی، [برترین اعمال] بعد از آن، انتظار فرج است. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) [نقل شده]: **إِنْتِظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ**؛ (۷) انتظار فرج داشته باشید، از رُوح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید. پس در انتظار فرج امید هست، تحرک هست، اقدام وجود دارد که البته حالا در مورد انتظار فرج گفته شده است و مسلم است که انتظار فرج، یعنی انتظار فرج حضرت ولی‌عصر؛ این یک مصداق از انتظار فرج است. اینکه پیغمبر میفرماید: **أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ**، ناظر به همه‌ی مشکلاتی است که برای زندگی انسان پیش می‌آید؛ مشکلات گوناگونی در زندگی پیش می‌آید، انسان در مواجهه‌ی با این مشکلات نایبستی مأیوس بشود؛ باید انتظار فرج داشته باشد؛ باید بداند که فرج خواهد آمد. خود انتظار فرج، یک نوع فرج است که این روایتی است از حضرت موسی‌بن‌جعفر: **لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ**؛ (۸) خود انتظار فرج و انتظار گشایش، یک گشایشی است برای انسان که او را از آن حالت یأس، از حال درماندگی که به کارهای عجیب و غریبی وادار میکند، نجات میدهد. خب، اینکه پیغمبر و ائمه این جور فرمودند، معنایش این است که امت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، در هیچ حادثه‌ای از حوادث زندگی دچار یأس و ناامیدی نمیشوند و همیشه در همه حال انتظار فرج دارند.

خب، انتظار، به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به معنای آماده شدن است، به معنای اقدام کردن است؛ به معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که میشود به آن دست یافت که برای رسیدن به آن عاقبت بایستی تلاش کند. ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه‌ی مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه‌ی مهدوی نزدیک کنیم که جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط است، جامعه‌ی معنویت است، جامعه‌ی معرفت است، جامعه‌ی برادری و اخوت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی عزت است.

یک نکته در باب انتظار فرج این است که انتظار فرج غیر از بی‌صبری و مدت معین کردن است که انسان یک زمانی را در نظر بگیرد که در فلان تاریخ مثلاً بایستی این حادثه تمام بشود یا این شدت به پایان برسد یا حضرت ظهور کنند که انسان بی‌صبری کند، یا به زمین بکوبد؛ انتظار فرج این نیست. انتظار فرج یعنی آماده‌سازی خود؛ بی‌صبری کردن، عجله کردن، جزو چیزهایی است که ممنوع است. در یک روایتی دارد که **«إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ»**؛ (۹) اگر شما عجله میکنی، شتاب‌زدگی به خرج میدهی، معنایش این نیست که حالا خدا هم تابع عجله‌ی شما تصمیم بگیرد و عجله کند؛ نه، هر چیزی قراری دارد، وقت معینی دارد، حکمتی دارد، بر اساس آن حکمت انجام میگیرد.

این نکته‌ی دیگر را هم عرض کردیم که مراد از انتظار فرج، هم فرج نهایی است که ظهور حضرت است، هم فرج بعدالشدت است؛ یعنی فرج بعد از حوادث دشوار و حوادث همه‌گیر، مثل همین حادثی که امروز در دنیا وجود دارد که خیلی‌ها را مأیوس میکند، خیلی‌ها را وادار به خودکشی میکند، لکن وقتی که انتظار فرج وجود دارد، انسان میداند که این حادثه بلاشک تمام خواهد شد.

خب، یک نکته‌ی دیگر هم اینجا وجود دارد و اینکه این آرامش روانی ناشی از انتظار فرج، این اطمینان نفسی را که انسان دارد که نفس او و دل او تلاطم ندارد، میشود افزایش داد؛ به وسیله‌ی دعا، به وسیله‌ی استغاثه، به وسیله‌ی مناجات با پروردگار که **«أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»**؛ (۱۰) این دعاهایی که وارد شده است -حالا ما الان در ماه شریف شعبان هستیم، بعد هم در ماه رمضان- دعاهای فراوان، مناجاتهای گوناگون و تکلم با خدای متعال بدون واسطه خیلی مهم است؛ یا راز و نیاز کردن با ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) که نزدیک‌ترین آحاد عالم وجود به پروردگار متعال هستند، به انسان امکان اطمینان و آرامش میدهد. یاد خدای متعال گشایش به انسان میدهد، بهجت به انسان میدهد و رحمت الهی را هم جلب میکند که قطعاً میلیون‌ها دست به‌دعابرداشته‌شده، آثار و برکاتی خواهد داشت. دیشب میلیون‌ها نفر موفق شدند که دل‌هایشان را با خدا آشنا کنند، متصل کنند و دست به دعا بردارند و با خدا حرف بزنند؛ (۱۱) بلاشک این [کار] آثار خوب خودش را، هم در خود آنها و هم در کل جامعه نشان خواهد داد و برکات زیادی خواهد داد. این چند جمله‌ای است که درباره‌ی مسئله‌ی ظهور و فرج و قیام حضرت بقیة‌الله خواستیم عرض کنیم؛ البته حرف در این زمینه‌ها خیلی زیاد است و من به همین مقدار بسنده میکنم.

اما در مورد این حادثه‌ی رایج کشور که حادثه‌ی کرونا است؛ خب این یک ابتلای عمومی است، یک آزمون است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها؛ دولت‌ها هم در این حادثه امتحان میشوند، ملت‌ها هم در این حادثه امتحان میشوند؛ آزمون عجیبی است. البته در مورد آمارها و اقدامهای بسیار خوبی که انجام گرفته است و توصیه‌هایی که مسئولین میکنند، حرف زیاد زده شده و به قدر کافی مطالبی را گفته‌اند؛ صدا و سیما هم انصافاً در این زمینه بسیار خوب عمل کرده و خوب کار کرده است؛ من در این زمینه‌ها عرضی ندارم، لکن چند نکته را میخواهم عرض بکنم.

یک نکته این است که ملت ایران در این آزمون، خوش درخشید؛ ملت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند. اولاً اوج این افتخار ملّی متعلق است به مجموعه‌ی درمانی کشور که من بارها گفته‌ام، باز هم باید تکرار کنم عظمت کار اینها و ارزش فداکاری اینها را؛ چه پزشکان، چه پرستاران، چه متخصصین علوم آزمایشگاهی، چه رادیولوژی، چه بهورزان خانه‌های بهداشت، چه بخشهای خدمات، چه بخشهای تحقیقات، چه مدیریتهایی در خود وزارتخانه و حول و حوش وزارت

بهداشت که در این زمینه فعالیت؛ اوج این افتخار، متعلق به اینها است؛ اینها جان خودشان را و سلامت خودشان را در خدمت مردم قرار داده‌اند؛ این خیلی بااهمیت و باعظمت است. رنج دوری از خانواده را تحمل کردند؛ حتی در نوروز و تعطیلات نوروزی هم خیلی از اینها به خانواده‌هایشان سر نزدند؛ دچار بی‌خوابی، دچار مشکلات فشارهای عصبی ناشی از برخورد با بیمار بدحال [شدند و] همه‌ی اینها را به جان خریدند و این [به عنوان] یک خاطره‌ی خوشی از دستگاه و مجموعه‌های درمانی کشور در ذهن این ملت خواهد ماند؛ این یک خاطره‌ی خوشی است و در این دوره، جامعه‌ی پزشکی و پرستاری و جامعه‌ی درمانی کشور از خودش یادگار خوبی و خاطره‌ی خوبی را به جا گذاشت.

در کنار اینها، داوطلبان، آن کسانی که جزو مجموعه‌های درمانی هم نبودند، اما داوطلبانه آمدند وارد این میدان شدند؛ طلب‌های جهادی، دانشجویان جهادی، هزاران بسیجی پرتلاش در بخشهای مختلف کشور، و آحاد مردم، خدمات بارزینی را که واقعاً از توصیف بالاتر است ارائه کردند که انسان را حقیقتاً خرسند میکند از سویدی و ممنون و متشکر میکند از سووی دیگری.

در کنار اینها نیروهای مسلح که انصافاً نیروهای مسلح از همه‌ی توان سازندگی خود و ابتکار خود استفاده کردند؛ حتی در زمینه‌ی علمی، حتی در زمینه‌ی مسائل کشفیات و ساخت و ساز و تولید امکانات بهداشتی و درمانی - از بیمارستان‌ها تا نگاهگاه‌ها تا بقیه‌ی وسایلی که در اختیار نیروهای مسلح بود - بهترین بخشهای خود را در خدمت این کار گذاشتند؛ توان سازندگی‌شان، توان ابتکارشان را در عرصه‌ی علم و عمل [گذاشتند]. بعد ظرفیتهای جدیدی کشف شد، پیدا شد؛ معلوم شد ظرفیتهای بسیار زیادی در داخل نیروهای مسلح و همچنین بیرون نیروهای مسلح وجود دارد که این ظرفیتهای ما نمی‌شناختیم. این جوانهایی که می‌آیند در تلویزیون توضیح میدهند کارهایی را که کرده‌اند، چیزهایی را که ساخته‌اند، اینها را غالباً ما نمی‌شناختیم؛ این ظرفیتهای کشف‌شده‌ی جدید است.

و مردم؛ انصافاً مشارکتهای مردمی هم، مشارکتهای بسیار زیبا و صحنه‌های جالب و شگفت‌انگیزی را به وجود آورده که در همه جا هست؛ من چند مورد را بخصوص اسم می‌آورم. این به معنای این نیست که این چند مورد اختصاص دارند؛ نه، حالا اینها به بنده گزارش شده، اینها را من عرض میکنم؛ مثلاً در سبزوار، طرح «هر محله یک قربانی» شروع شده؛ اهل محل جمع میشوند یک گوسفند قربانی میکنند، به نیازمندان همان محل گوشت میدهند؛ این خیلی چیز لازم و مهم و کار جالبی است که اینها انجام میدهند برای اطعام نیازمندان. یا در یزد، مادر شهیدی با همکاری جمعی از بانوان که همراه کرده با خود عده‌ای از بانوان را، خانه‌های خودشان را تبدیل کرده‌اند به خیاطخانه که در این خیاطخانه‌ها ماسک تولید میکنند و مخانی در اختیار مردم میگذارند. یا در نهاوند، گروهی از بانوان که در زمان دفاع مقدس نان میپختند و برای جبهه میفرستادند، فعال شده‌اند برای مهار بیماری و کمک میکنند. در خوزستان، طلب‌های قرارگاه تشکیل داده‌اند و حتی داخل خانه‌های مردم را هم ضدعفونی میکنند. در شیراز، معتمدین محلی با صاحبان املاک - صاحبان خانه‌ها و مغازه‌ها - صحبت میکنند که اجازه نگیرند یا تخفیف بدهند یا مهلت بدهند و کمک بشود به کاسب، در تبریز، رئیس حوزه‌ی علمی خودشان وارد شده و به شکل میدانی مشغول فعالیت است. در یکی از شهرها، نامزد حزب‌اللهی‌ای که در انتخابات رأی نیاورده، ستاد خودش را تعطیل نکرده و نگه داشته و فعالان را در خدمت حرکت جهادی و مبارزه‌ی با کرونا سازمان‌دهی کرده. اینها البته گزارشهای محدودی است که بنده حالا علی‌العجاله در اختیار داشتم؛ ولیکن صدها مورد شبیه این، بلکه هزارها مورد شبیه این در سرتاسر کشور به شکل‌های گوناگون وجود دارد که من به بعضی از اینها هم در صحبت قبلی (۱۲) اشاره کرده‌ام. این مهم است که توجه کنیم اینها نشانه‌ی عمق فرهنگ اسلامی و رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما است، در دل مردم ما است. بر خلاف خواسته و ادعای کسانی که بخصوص در این یکی دو دهه‌ی اخیر متأسفانه تلاش کردند که فرهنگ ایرانی تحقیر کنند، فرهنگ اسلامی - ایرانی را تحقیر کنند، برای اینکه مردم را متوجه فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی بکنند، خوشبختانه این احساس تفکر اسلامی و فرهنگ اسلامی و زنجیره‌ی ارزشهای اسلامی در مردم بسیار احساس قوی و راسخی است.

متقابلاً، فرهنگ و تمدن غربی هم محصول خودش را نشان داد؛ آنچه در کشورهای غربی، در اروپا و آمریکا اتفاق افتاد - که خب بعضی از آنها را تلویزیون ما گفت، لکن بعضی از آنها هم در تلویزیون گفته نمیشود و اطلاعاتی است که به ما میرسد و ما میدانیم - محصول تربیت خود را نشان داد. یک دولتی ماسک متعلق به یک دولت دیگر را، دستکش متعلق به یک دولت دیگر را سر راه مصادره کند و به طرف خودش ببرد که این در مورد چند دولت در اروپا و در آمریکا اتفاق افتاد. یا مردم هر روز در طرف مدت کوتاهی، در ظرف یک ساعت یا دو ساعت فروشگاه‌ها را تخلیه کنند، حرص بزنند برای خرید بیشتر که برونند یخچالها و فریزرهای خانه‌ی خودشان را بزنند و دکانها خالی بشود که قفسه‌های خالی را در تلویزیون‌های دنیا نشان دادند، و تلویزیون ما هم از آنها نقل کرد؛ یا کسانی برای چند دستمال توالت به جان هم بیفتند، یا کسانی برای خرید اسلحه صف بکشند، نشان داد که مردم صف کشیده‌اند برونند اسلحه بخرند، چون احساس خطر میکنند در این ایام که باید اسلحه داشته باشند؛ یا برای بیمارها اولویت قائل بشوند، بیمار پیر را معالجه نکنند؛ میگویند لزومی ندارد ما زحمت بکشیم و با این محدودیت، بیمار پیر و از کار افتاده و دچار مشکلات اساسی را معالجه کنیم؛ اینها حوادثی است که در آنجا اتفاق افتاده. بعضی‌ها از ترس کرونا خودکشی کرده‌اند، از ترس مرگ خودکشی کرده‌اند؛ اینها رفتارهایی است که برخی از ملت‌های غربی از خودشان نشان داده‌اند. این البته نتیجه‌ی منطقی و طبیعی فلسفه‌ی حاکم بر تمدن غربی است؛ [یعنی] فلسفه‌ی فردگرایی، فلسفه‌ی مادگرایی، فلسفه‌های غالباً بی‌خدایی که اگر اعتقادی هم به خدا هست، آن اعتقاد توحیدی صحیح عمیق معرفت‌زا نیست. این هم یک مسئله است.

من اینجا این را هم عرض بکنم که یکی از سناتورهای غربی در همین چند روز گفته بود که غرب وحشی زنده شده؛ این حرف آنها است. وقتی که ما میگوییم در غرب یک روح وحشی‌گری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن‌زده و کراوات‌بسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجب میکنند و انکار میکنند؛ این را حالا خودشان میگویند که این، نماد زنده شدن غرب وحشی است.

یک بُعد دیگری که در مورد این حادثه وجود دارد، رفتار عمومی ملت عزیز ما است در به کار بستن توصیه‌ها که انسان واقعاً مشاهده میکند مردم آنچه را ستاد ملی مبارزه [با کرونا] به صورت قاطع بیان میکند عمل میکنند. بله، ممکن است یک وقتی یک چیزی را به صورت مردّد بیان کنند، مردم به این نتیجه نرسند که باید این کار را کرد، اما آنجایی که به صورت قاطع مطلبی گفته میشود و احساس میکنند که این کار باید انجام بگیرد، مردم با مصوّبات مسئولین همراهی میکنند؛ یک نمونه‌اش روز سیزدهم فروردین امسال بود؛ انسان باور نمیکرد که مردم سیزده‌پدر را تعطیل کنند اما تعطیل کردند؛ مردم سیزده‌پدر نرفتند. این نشان‌دهنده آن است که مردم به معنای واقعی کلمه یک نظم عمومی را در مواجهه‌ی با این حادثه پذیرفته‌اند که البته باید ادامه پیدا کند؛ این نظم عمومی بایستی وجود داشته باشد، باید تصمیم‌های ستاد ملی [مبارزه با کرونا] - که در این زمینه، مسئول درجه اول است- جدّی گرفته بشود و بر طبق آنها عمل بشود.

یک بُعد دیگر در این قضیه این است که البته امروز کرونا برای بشریت یک مشکل بزرگ و یک ابتلای بزرگ و خطرناکی است که به آنها رو آورده، لکن این مشکل در مقایسه‌ی با بسیاری از مشکلات، مشکل کوچکی به حساب می‌آید؛ ما مشکلات فراوانی را در دنیا و در کشور خودمان مشاهده کرده‌ایم و داشته‌ایم که از این حادثه کمتر نبود، بلکه بیشتر بود؛ از جمله، [اینکه] درست در ۳۲ سال قبل از این، در همین ایامی که کرونا به منطقه‌ی ما وارد شد، هواپیماهای صدام موادّ شیمیایی را در یک بخش‌هایی ریختند و هزاران نفر از مردم ما و مردم خودشان را با گاز خردل و مانند اینها کشتند؛ این اتفاق افتاد. البته همه‌ی قدرتهای دنیا هم آن روز از صدام حمایت میکردند، به او کمک میکردند؛ بعضی از همین کشورهای متمدّن و مترقی - [البته] در ادّعا- موادّ شیمیایی را به او دادند، سلاح شیمیایی را در اختیار او گذاشتند و تا امروز هم احدی از آنها حساب پس نداده، جواب نداده که چرا این جنایت را اینها انجام دادند. و آن جنایت‌کار، [یعنی] صدام، با مردم ما این جور عمل کرد، با مردم خودش در حلبچه هم همین جور عمل کرد؛ به خاطر اینکه احساس کرده بود که ممکن است مردم حلبچه با رزمندگان جمهوری اسلامی همکاری داشته باشند، آنجا هم [موادّ شیمیایی] ریخت و مردم را در کوچه و خیابان به کام مرگ کشاند؛ اینها هست.

در جنگهای بزرگ دنیا، در دو جنگ جهانی میلیون‌ها نفر کشته شدند؛ حالا در قضیه‌ی کرونا گفته میشود که مثلاً تا حالا یک میلیون و خرده‌ای در سطح دنیا مبتلا (۱۲) شده‌اند. در جنگ اول و دوم [جهانی] که با فاصله‌ی حدود بیست سال در اروپا اتفاق افتاد، چندین میلیون [نفر] -حالا الان دقیق یادم نیست، اما میدانم بیش از ده میلیون جمعیت- به قتل رسیدند؛ در جنگ ویتنام که آمریکا به آنجا حمله کرد همین جور؛ و در جنگهای گوناگون دیگر. در همین اواخر به وسیله‌ی عوامل آمریکا، در حمله‌ی به عراق عده‌ی زیادی کشته شدند، به شهادت رسیدند؛ و امثال اینها فراوان اتفاق افتاده. پس ما وقتی که راجع به این قضیه فکر میکنیم از بقیه‌ی حوادث مهمی که در دنیا همواره وجود داشته بایستی غفلت نکنیم و بدانیم که همین حالا هم میلیون‌ها انسان زیر فشار ظلم و ستم دشمن و دشمنی‌های دشمنان و قدرتمندان رنج میبرند؛ مردم در یمن، مردم در فلسطین و در بسیاری از نقاط دیگر جهان زیر فشار هستند. پس مسئله‌ی کرونا ما را از توطئه‌ی دشمنها غافل نکند، از توطئه‌ی استکبار غافل نکند؛ [چون] دشمنی استکبار هم با اصل نظام جمهوری اسلامی است. اینکه کسی خیال کند که ما دشمنی نکنیم تا با ما دشمنی نکنند، این نیست؛ اصل نظام جمهوری اسلامی، اصل مردم‌سالاری اسلامی از نظر آنها قابل قبول نیست، قابل فهم نیست و قابل تحمّل نیست. این هم یک نکته.

ما عرض میکنیم که مسئولان در ستاد ملی [مبارزه با کرونا] به طور جدّی مشغول کارند و گزارش‌هایش به ما داده میشود و اطلاع پیدا میکنیم. و برای برخی از قشرهای ضعیف هم فکری کرده‌اند که من توصیه میکنم، تأکید میکنم که این برنامه‌هایی را که مسئولین دولتی برای برخی از قشرهای ضعیف در نظر گرفته‌اند، هر چه سریع‌تر، هر چه بیشتر، هر چه بهتر ان‌شاءالله به اجرا در بیاورند؛ لکن در کنار این، مردم هم وظیفه دارند. عده‌ای هستند که در این شرایط و در این اوضاع حقیقتاً زندگی‌شان بسختی قابل گذران است و نمیتوانند زندگی معمولی عادی خودشان را اداره کنند؛ مردمی که دستشان باز است و توانایی دارند بایستی در این زمینه فعالیت وسیعی را شروع کنند. در صلوات شریف «شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ» میخوانیم: «وَ ارْزُقْنِي مُوَاَسَاةً مِّن قَرَّتٍ عَلَيْهِ مِّن رِّزْقِكَ يَمَا وَسَعَتْ عَلَيَّ مِّن فَضْلِكَ ... وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ» (۱۴) یعنی این یکی از کارهای لازمی است که بایستی انجام بگیرد؛ بخصوص که ماه رمضان در پیش است. ماه رمضان، ماه انفاق است، ماه ایثار است، ماه کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهنها خواهد گذاشت. ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم که عرض کردیم، جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزّت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقّق ببخشیم، به قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک میکند.

نکته‌ی آخری که عرض میکنم، این است که در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان -که این جلسات عمومی، جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسّل، بسیار مغتنم بود و امسال علی‌القاعده محرومیم از این جلسات- از عبادت و تضرّع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما میتوانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، همین معنا را، همین توجّه را، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البته در برنامه‌های تلویزیون مواردی هم پخش میشود که از آن هم میشود استفاده کرد و بایستی این کارها را انجام بدهیم.

یک توصیه هم به مسئولین عرض میکنیم -هم مسئولین و هم فعّالان جوان در عرصه‌ی علم و فناوری- که دو چیز فراموش نشود؛ یکی مسئله‌ی جهش تولید است که این حیاتی است برای کشور و ما بایستی به هر قیمتی که هست، مسئله‌ی تولید را دنبال کنیم و به معنای واقعی کلمه جهش تولید به وجود بیاوریم؛ یکی هم مسئله‌ی ساخت و ساز و کار آزمایشگاهی و تولید نیازهای فراوانی است که جوانها در بخشهای آزمایشگاهی این را ان‌شاءالله دنبال میکنند.

از خداوند متعال سعادت ملت ایران را مسئلت میکنیم؛ خداوند روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند، ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز را با پیغمبر محشور کند و ان‌شاءالله آنچه را آرزوهای بزرگ ملت ایران است، تحقق ببخشد و فرج ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را ان‌شاءالله نزدیک کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

۲) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱

۳) مذاهب، فرقه‌ها

۴) بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۶

۵) بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸

۶) تحف‌العقول، ص ۴۰۳

۷) تحف‌العقول، ص ۱۰۶

۸) غیبه طوسی، ص ۴۵۹

۹) کافی، ج ۲، ص ۲۴۵

۱۰) سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۲۸

۱۱) اشاره معظّم‌له به اعلام عمومی جهت دعای دسته‌جمعی در ساعت مقرّر در شب نیمه‌ی شعبان

۱۲) بیانات در سالروز مبعث پیامبر اکرم (۱۳۹۹/۱/۳)

۱۳) در سخنرانی تعبیر «کشته» به کار رفته بود که پس از اتمام پخش زنده‌ی بیانات، معظّم‌له این مطلب را این گونه اصلاح فرمودند: «این مطلب که من گفتم یک میلیون نفر کشته شده‌اند، اشتباه بود. یک میلیون و خرده‌ای مبتلا شده‌اند؛ تعداد کسانی که از دنیا رفته‌اند در سطح دنیا خیلی کمتر از این است. یک میلیون [نفر] مبتلا شده‌اند تا حالا و تعدادی هم البتّه از دنیا رفته‌اند که از این مقدار کمتر است. من اشتباهاً گفتم یک میلیون [نفر] از دنیا رفته‌اند و یا مثلاً کشته شده‌اند.» لذا در متن بیانات تعبیر اصلاح شده جایگزین شد.

۱۴) مصباح‌المتهجّد، ج ۲، ص ۸۳۹